راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده­اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره­هایی می­بینید که متشکل از شماره نکته­ی تقریر شده و شماره­ صفحه­ی مد نظر است ( مثلا 5/150 تقریر 5 در صفحه 150 ) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام " متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی " میتوانید ببنید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه ، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریعتر آورده شده است. خوشحال میشویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : 09363211730 ، پیامرسان­های ایتا و بله؛

\*- صوت 134 ادامه ثمرة البحث فی اجتماع الأمر و النهی

\*- 6/296 وفی کلّ حالهٍ حکمنا فیها بعدم صحه العمل: آیا علم و جهل اینجا دخالتی دارد یا ندارد ؟ مثلا من نمیدانم نماز در زمین غصبی حرام است. اینجا آیا این نماز من درست است یا نیست ؟ میفرمایند از ثمرات این بحث این است :

6/296 : حالت الف : اگر ما قائل به امتناع بشویم و در نتیجه تعارض بین الدلیلین شدیم. در تعارض یکی از دو دلیل یا هر دو دلیل از حجیت ساقط میشود. اگر دلیل نهی را بر دلیل امر تقدم کردیم یعنی دلیل لاتغضب را بر دلیل صلّ مقدم کردیم دیگر صلّ امر ندارد. در اینجا دیگر چه عالم حکم باشیم و چه جاهل باشیم ، چه اینکه منجز باشد و چه اینکه منجز نباشد دیگر فرقی نمیکند و ما اساسا به علم و جهل بر مکلف نداریم، بلکه نگاه ما به وود واقعی این احکام و به جعل واقعی و ملاکات واقعی این احکام است. آیا حرمت و وجوب اینجا جعل شده اند واقعا ؟ میگوییم شده اند پس تعارض بین شان هست و اگر ما مقدم کردیم نهی را بر امر دیگر امر وجود نخواهد داشت و ما کاری به علم و جهل شما نداریم.

حالت ب : اگر قائل به عدم امتناع بشویم و قائل به جواز اجتماع بشویم و در نتیجه بگوییم تزاحم رخ می­دهد،. چون قائل به جواز هستیم و چون این عمل، عمل عبادی است نمیشود با عملی که حرام است تقرب بجوییم. من میخوام این عمل منهی عنه است در حین حال میخوام با این به خدا تقرّب بجوییم ؟ نمیشود اصلا قصد قربت اینجا نمیاد.

در اینجا علم و جهل موجب تفاوت میشود. در اینجا اگر شما عالم باشید این حرمت آمده و عمل منهی عنه واقع شده نمیتوانید تقرب بجویید. و اگر جاهل به حکم باشید و در حین حال که جاهل فکر میکنید این کار مورد رضایت مولی است، و قصد قربت میکنم چون فکر میکنم مولی راضی است پس قصد قربت آمد و همینکه قصد قربت آمد و امکان آمدن پیدا کرد عمل پذیرفته میشود.

\*- اقتضاء وجوب الشی لحرمة ضدّة

1/297 وقع البحث فی أنّ وجوب شیءٍ هل یقتضی حرمه ضدّه ، أوْ لا؟: این بحث در حلقه ثانیه به طور مفصل شهید بررسی کردند.

بحث در این است که اگر چیزی واجب شد این اقتضاء داشته باشد که ضد آن حرام باشد. اگر نماز واجب شد، ضد نماز حرام باشد.

شهید در حلقه ثانیه گفتند دو نوع ضد داریم ضد عام یا نقیض ، یا ضد خاص یعنی فعل وجودی با چیزی که با هم جمع نمیشود مثل صلاة و ازاله مسجد.

و شهید میگوید اصولیون در این اقتضاء وجب الشی لحرمة ضدّة، سه دیدگاه مختلف دارند:

دیدگاه اول : امر به چیزی عین نهی از ضد عام آن است.

دیدگاه دوم : امر به چیزی این متضمن نهی از ضد آن است به طوری امر به چیزی مرکب از دو امر است یکی طلب آن شی و منع از ترک آن.

دیدگاه سوم : امر به چیزی این ملازمه دارد با حرمت ضدّش.

اما در حلقه ثالثه : بحث در دو مقام بررسی میشود یکی در باب ضد عام و یکی در ضد خاص؛ اولا ما ببینیم که آیا وجوب یک شی این اقتضاء دارد حرمت ضد عام آن را یا نه اقتضاء دارد؟ ثانیا آیا وجوب یک شی این اقتضاء دارد حرمت ضد خاص آن را یا نه اقتضاء دارد؟ پس یکی در باب ضد عام و یکی در ضد خاص؛

ضد : یعنی هر چیزی منافات داشته باشد با این امر شما. و این ضد دو نوع است ضد عام و یکی ضد خاص.

ضد عام : نقیض یک شی، صلاة ضد عام­اش میشود عدم صلاة ؛ و ضد خاص : فعل وجودی با چیزی که با هم جمع نمیشود مثل صلاة و ازاله مسجد. پس ضد خاص امر عدمی نیست بلکه امر وجودی است. البته این ضد خاص نباید هر کاری باشد که مزاحم آن باشد بلکه باید واجب دیگری باشد. مثلا ازاله واجب دیگری است ولی مثلا طرف بخوابد و بگوید خب خوابید امر وجودی است و الان مزاحم نماز است پس ضد خاص است ؟ خیر چون خوابیدن اینجا واجب نیست.

اقتضاء : محال بودن ثبوت وجوب چیزی با انتفاء (منتفی بودن) حرمت ضدّش ؛ یعنی مگر میشود خدا نماز را واجب کند و امّا ضدّش را حرام نکند. یعنی اگر خداوند میگوید صلّ در کنارش میگوید لاتترک الصلاة؛ فقط دو سئوال اینکه حکم عقل است یا منصوص الشرعی است این بعدا باید بررسی شود. اما بحث فعلا روی اقتضاء است و معنای اقتضاء را بررسی کردیم.

\*- وقتی میگوید هل اقتضاء وجوب الشی لحرمة ضدّة ، یعنی هل محال بودن ثبوت وجوب چیزی با انتفاء (منتفی بودن) حرمت ضدّش؛

\*- سئوال میشود کدام ضد ، ضد عام یا خاص ؟

این اقتضاء را میشود در سه حالت بررسی کرد : الف : بالدلالة المطابقیه ب : بالدلالة التضمنی ج :بالدلالة الالتزامیه ؛

خب بررسی ضد عام :

در ضد عام معروف این است که وجوب شی اقتضاء دارد حرمت ضد آن را یعنی ترک آنرا. اما در تحلیل این علماء گفتند چطور میشود که بگوییم وقتی چیزی واجب شد ضد آن حرام است. – ما داریم از حکم حرمت صحبت میکنیم نه صرفا یک مبغوضیتی؛ داریم از حکم حرمت صحبت میکنیم یعنی وقتی جعل شد وجوب یک چیزی جعل میشود حرمت ضدّش ؛ یعنی نه اینکه صرفا بد باشد بلکه حکم صادر شده باشد.-

ما اگر بگوییم این وجوب شی اقتضاء دارد حکم حرمت ضد عام آنرا :

اولا بررسی این مسأله با الف : بالدلالة المطابقیه : برخی گفتن ما با دلالت مطابقیه میفهمیم حکم حرمت ضد آمده است. برای این ادعا دو توجیه آمده است.

الف-1- کار نهی چیست ؟ دور کردن و ابتعاد است وقتی میگوید هذا حرام یعنی لاتقربوا و عقب برو. وجوب میگوید من این را از تو میخواهم. اثر اینکه از تو میخواهم یعنی حواست باشد از ترک آن فاصله بگیر. وقتی میگوید نماز را میخواهم یعنی به سمت ترک نماز نروی. ما می بینیم وقتی چیزی واجب میشود در مقام اثر گذاری بر مکلف اینگونه است همان ابتعاد از ضد عام یعنی نقیض و ترک ایجاد بشود.

الف-2- توجیه دیگر این است که بگوییم اساسا نهی یعنی چی ؟ یک بحثی مطرح میکند در بحث اینکه نهی و مدلول نهی چیست ؟ برخی گفتن نهی اگر بخواهد امر عدمی باشد نمیشود بلکه گفتن نهی یعنی طلب ترک . این توجیه بر اساس آن است.

پس نهی یعنی چی ؟ وقتی دارید نهی میکنید در حقیقت دارید طلب میکنید نقیض آنرا. وقتی میگوید انهاک عن الشرب الخمر یعنی اطلب منک ترک شربُ الخمر؛ بعبارتی میگوید اطلب منک نقیض شرب الخمر.

پس نهی از عمل میشود نقیض آن عمل. حالا نهی از ترک العمل چه میشو ؟ میشود طلب نقیض آن یعنی فعل؛ یعنی وقتی مولا میگوید لا تترک الصلاة یعنی صلّ ؛ پس اینها عبارت اُخری همدیگر هستند ؛ پس یک چیزی واجب میشود عبارت اخری آن نهی از ضد عام آن میشود.

\*- 5/297 ویرد علی التوجیه الأول:

ما اینجا دنبال جعل و حکم حرمت هستیم و توجیه اول برای ما جعل ثابت نمیکند.

توجیه ثانی این است که این بازی با الفاظ است؛ ما قبول نداریم معنای نهی این باشد . نهی یعنی زجر و منع و به معنای طلب نقیض نیست.

1/298 وقد تقدم فی بحث دلاله الأمر علی الوجوب إبطال دعوی الترکّب فی الوجوب علی هذا النحو

\*- آیا بدلالت تضمنیه اقتضاء دارد که وجوب شی حرمت ضد آن را :

در بحث امر در بررسی دیدگاهی که میگفت وجوب مجرد طلب فعل نیست چون طلب فعل در مستحبات هم هست... شهید صدر نظر اونها را رد کردند. در اینجا هم ارجاع میدهند به رد اونجا؛